

یادی از مجله آینده از برای حق صحبت سالها...

مهران افشاری*



مصاحب، سرپرست دائرةالمعارف فارسی، درگذشت و یا در سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ چه کسی و در کجا از حبیب یغمایی، شاعر و ادیب توانا و سردبیر یغما یاد می‌کرد که او نیز درگذشت؟ در اوضاع جنگ و روزگاران بمباران شهرهای ایران، با درگذشت شادروانان دکتر مهدی حمیدی شیرازی، فریدون تولی و دکتر غلامحسین صدیقی، به جز از *آینده* کدام مجله بود که ویژه‌نامه‌ای درباره آن بزرگان شعر و ادب و تاریخ و فرهنگ ایران زمین منتشر کند؟ خدمتی بزرگ را که استاد ایرج افشار در آن سال‌های بحرانی با نشر *آینده* به تاریخ و ادبیات معاصر ایران کرد نباید از یاد برد.

آینده در تاریخ ایران جایگاهی خاص و بس والا دارد. هر آن کس که کوچکترین خدمتی به فرهنگ ایران کرده بود، اگر در می‌گذشت، ایرج افشار از او و خدماتش در *آینده* یاد می‌کرد و می‌کوشید تا برای آیندگان شرح زندگی و آثار آنان را ثبت کند؛ از شهید مرتضی مطهری و آیت‌الله طالقانی گرفته تا خاورشناسان و ایران‌شناسان غربی چون مورگنشتیرنه و ال ساتن و شارل پلا، نام و آثارشان در *آینده* آمده است.

برخی از بزرگان فرهنگ و ادب ایران آخرین نوشته‌ها و مقاله‌هایشان را در *آینده* چاپ کرده‌اند؛ از جمله شادروانان حبیب یغمایی، محمد محیط طباطبایی، محمدعلی جمال‌زاده، بزرگ علوی، دکتر پرویز ناتل خانلری و دکتر غلامحسین یوسفی. برترین و برجسته‌ترین دانشمندان ایران در آن دوران مانند مرحوم دکتر عباس زریاب خویی، دکتر احمد منوچهر مرتضوی، دکتر سید ضیاءالدین سجادی و دکتر محمدجعفر تفضلی، دکتر سید ضیاءالدین سجادی و دکتر محمدجعفر محجوب و استادان گرانقدر آقایان دکتر منوچهر ستوده، دکتر فتح‌الله مجتبایی و دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی با *آینده* همکاری قلمی داشته‌اند و ایران‌شناسانی برجسته چونان آنجلو پیه مونتسه که برای نخستین بار نسخه شاهنامه فلورانس را در *آینده* شناساند، آکی موشکین و فرانسیس ریشار برای *آینده* مقاله و نامه نوشته‌اند. شاعرانی بزرگ نیز چون شادروانان مهدی حمیدی شیرازی، فریدون تولی، غلامعلی

آیا کسی تا کنون اندیشیده است که شادروان استاد ایرج افشار چرا در سال ۱۳۵۸ به انتشار *آینده* تصمیم گرفت؟ او تا سال ۱۳۵۷ سردبیر *آینده* بود اما این سخن نادرست و اشتباه است اگر *آینده* را دنباله *آینده* می‌داند. نگاه می‌دهد که خط مشی *آینده* با *آینده* کتاب به کلی متفاوت است. *آینده* بیشتر به نقد و معرفی کتاب می‌پردازد اما *آینده* مجله خاص تحقیقات ایرانی به‌ویژه در زمینه تاریخ و ادبیات است. حتی مشی *آینده* در سال‌های پنجم تا نوزدهم آن (۱۳۸۵-۱۳۷۲) که به سردبیری استاد ایرج افشار منتشر شده است با چهار سالی که پدر ایرج افشار، مرحوم دکتر محمود افشار *آینده* را منتشر کرده است بسیار متفاوت است. مرحوم استاد افشار خود روزی برای نگارنده شرح داد که چرا *آینده* را به مدت چهار سال منتشر کرد. او فرمود: «آن سالیانی که *آینده* را منتشر می‌کردم، هیچ مجله‌ای در ایران نبود که به تحقیقات و مطالعات ایران‌شناسی بپردازد و می‌دیدم که این‌گونه مطالعات و تحقیقات در ایران رو به تعطیلی است و تحقیقات ایران‌شناسی هیچ حامی و متولی ندارد، پس بر آن شدم مجله‌ای را ویژه پژوهش‌های ایرانی و تاریخ و ادبیات ایران منتشر کنم. پس از آنکه اندک اندک مجله‌هایی در این زمینه‌ها در ایران پدید آمد، نشر *آینده* را متوقف کردم.»

در سال ۱۳۵۸ که انقلاب اسلامی در ایران تازه پیروز شده بود و شور انقلابی بیشتر مردم ایران را فرا گرفته بود، کمتر کسی مانند مرحوم افشار به تحقیقات ایرانی می‌اندیشید. سالیانی که دشمن بدسگال به خاک ایران تجاوز کرده بود و جوانان ایران برای پاسداری از خانه و کاشانه خود با دشمن می‌جنگیدند، ایرج افشار نیز در ششمین دهه زندگی خود به نگاهبانی و پاسداشت فرهنگ و تاریخ و ادبیات دیرین ایران پرداخت. به‌راستی اگر *آینده* چاپ نمی‌شد، در آن حال و هوا و اوضاع ایران به سال ۱۳۵۸ در کجا ثبت می‌شد که دکتر غلامحسین

* پژوهشگر و عضو بنیاد دائرةالمعارف اسلامی

دروغگویان، دور از ایران از وطن دوستی دم بزند. اما در ایران ماند، در میان مردم ایران زیست و به‌رغم همه سختی‌ها و دشواری‌ها با تحقیق و مطالعه و نوشتن به خدمات فرهنگی خود ادامه داد.

بنده سرفرازم که بیست و یک سال با شادروان استاد ایرج افشار دوستی و همکاری داشته‌ام. آغاز آشنایی نگارنده با مرحوم افشار برای همکاری با مجله آینده بود. دانشمند فرشته‌خوی کم‌نظیر، استاد عبدالحسین حائری، بنده را با نامه‌ای به استاد افشار معرفی نمود که به صواب دید خود مقاله بنده را، که در آن هنگام دانشجوی زبان و ادبیات فارسی بودم، در آینده منتشر کنند. هنگامی که یکی از مقاله‌هایم را به استاد افشار دادم و سپس تلفنی با او صحبت کردم که بدانم آیا مقاله‌ام را برای چاپ در آینده پذیرفته‌اند، بنده را تشویق فرمود و سخنان او بزرگترین تشویق برای من در زندگی بود.

پس از سال‌ها به ایشان گفتم آیا آغاز آشناییمان را به یاد دارید؟ لحظه‌ای اندیشید و فرمود: «من همه مؤلفانم را به یاد دارم.» یک بار به استاد افشار یادآوری کردم که تشویق ایشان چه تأثیری در زندگی‌ام داشته است و او فرمود: «من اگر در زندگی‌ام جوانترها را تشویق به کار کرده‌ام، برای آن است که خود هنگامی که دانش آموز بودم، مطلبی را برای مرحوم عباس اقبال بازگفتم و او به من گفت که آن را بنویس. مطلبم را به اقبال دادم و او آن را در مجله یادگار منتشر کرد و باعث تشویق من شد.»

سخن از مجله آینده بود. آینده آخرین مجله از سنخ مجله‌های کاهو، یادگار، سخن، یغما و راهنمای کتاب است که در ایران بی‌یاری دولت و خارج از دانشگاه‌ها منتشر شده است و غالب مقاله‌های آنها مختص به تحقیقات ایران‌شناسی و از لحاظ تحقیق و پژوهش ممتاز و عالی است. این به دلیل آن است که مدیران و سردبیران همه مجله‌های نام‌برده، دانشمندانی بی‌بدیل، وطن‌دوست و دارای اصول و هدفی مشخص بوده‌اند. شادروان ایرج افشار آخرین این‌گونه سردبیران دانشمند با اصول بود. شاید کسانی ناآگاهانه و با کوتاه‌اندیشی بخواهند در کار مطبوعاتی از او تقلید کنند. اما کیست که از دانش، بزرگواری و فضایل استاد افشار برخوردار باشد که:

**از محقق تا مقلد فرق‌هاست
کاین چو داوود است و آن دیگر صداست**



رعدی آدرخشی، یدالله بهزاد کرمانشاهی و خلیل‌الله خلیلی افغانی، برخی از آخرین اشعارشان را در آینده به چاپ سپرده‌اند و بخش‌هایی از شعر پرطمطراق «ای زبان فارسی» مرحوم دکتر حسین خطیبی نوری در آینده چاپ شده است.

مجله آینده نخستین مجله پژوهشی بود که به طور جدی به تاریخ ایران در دوره پهلوی پرداخت و با انتشار اسناد و مدارک و مقاله‌های تحقیقی درباره تاریخ دوره پهلوی برای نخستین بار پرده از تاریخ معاصر ایران برداشت و مطالبی را مطرح کرد که پیش از انقلاب سخن گفتن از آنها ممنوع بود.

در آن سال‌های جنگ و بمباران تنها مجله آینده بود که خوانندگان و اهل مطالعه را آگاه می‌کرد که چه کتاب‌های تحقیقی درباره تاریخ و ادب و فرهنگ ایران به‌تازگی در ایران و خارج از ایران منتشر شده است. با این حال دشمنان فرهنگ ایران برای چاپ و نشر آینده به مرحوم استاد افشار حسادت می‌کردند و می‌کوشیدند او را بیازارند. اشخاص ناشناس به دفتر مجله آینده نامه می‌فرستادند و او را تهدید می‌کردند که باید آینده را تعطیل کند. او خود به من گفت که در آن سال‌ها دشمنانش از جمله برخی از کسانی که پیش از انقلاب با حزب توده همکاری داشتند، علناً به او ناسزا می‌گفتند و بهتان می‌زدند. اما او که خود را باور داشت که هیچ خطایی نکرده است و در همه زندگی‌اش به فرهنگ ایران خدمت کرده است، خاموشی می‌گزید و با شکیبایی به خواندن و نوشتن و کار خود می‌پرداخت. استاد افشار دو بار به بنده یادآوری کرد که یکی از استادان زبان و ادبیات فارسی که دانشجویان و اهل مطالعه پیش از انقلاب او را درست نمی‌شناختند اما پس از انقلاب در دانشگاه آوازه‌ای یافته بود، برای نخستین بار بر حسب اتفاق در یکی از کتابخانه‌های کشور با استاد افشار روبه‌رو شد و به استاد افشار گفت: من پیشنهاد می‌کنم که شما مجله آینده را تعطیل کنید. استاد افشار هم با صراحت خاص خویش در پاسخ او گفته بود: «من به راهنمایی شما نیاز ندارم و کارم را ادامه می‌دهم و آینده را چاپ خواهیم کرد.»

استاد ایرج افشار خودنمایی و شعار دادن را خوش نمی‌داشت و مرد عمل بود. با زندگی خود به همگان نشان داد که به‌راستی دوستدار و شیفته ایران بود. او توانا و دولتمند بود و از لحاظ دانش شهره آفاق بود. در آن سالیان سخت جنگ، میهن خود را می‌توانست ترک کند و در هر جای گیتی می‌توانست دور از ایران در تنعم و آسایش زندگی کند و مانند برخی از